

تا پیش از متوازن شدن تجارت خارجی و گذار از اقتصاد «تک محصولی» (نفت) به سازمان تجارت جهانی نیبوند.

دولت ایران در کل تا امروز در قبال گات رویکردی دو وجهی در پیش گرفته است و مجلس این موضوع را در سال ۱۹۹۶ مورد بررسی قرار خواهد داد.

### تناقض اولویت‌ها

حتی با بررسی سطحی سیاست‌های اقتصادی جاری دولت ایران نیز می‌توان دریافت که این پاسخ‌های ضدونقیض به مسأله عضویت در گات بازتاب نوعی «تناقض اولویت‌ها» در سطح گسترده‌تر است که بر سمت‌گیری‌های سیاسی-اقتصادی داخلی و خارجی دولت اثر می‌گذارد.<sup>۴</sup> در این زمینه، خط‌مشی دولت بین آزادسازی و سیاست «درهای باز» از یک سو، و نوعی اقتصاد کنترل شده و خودبسندگی اقتصادی از سوی دیگر در نوسان بوده است.

این گرایش‌های متناقض به شکلی نسبتاً ناآرام در کنار یکدیگر ادامه یافته و موجب ابهام اقتصادی چشمگیری شده است. برای نمونه، دولت همزمان با تأکید بر صادرات غیر نفتی در برنامه پنجساله دوم، کنترل‌های سختی در مورد معاملات ارزی برقرار ساخته و صادرکنندگان را ملزم نموده است تا تمامی درآمدهای ارزی خود را به بانک مرکزی انتقال دهند. اما این کنترل‌ها خطر کاهش شدید صادرات غیر نفتی را به همراه دارد چرا که «فروش دلارهای به دست آمده، با قیمت بالاتر در بازار آزاد، یکی از انگیزه‌های اصلی بازرگانان برای صدور کالا بوده است».<sup>۵</sup>

دولت آقای رفسنجانی با تجدیدنظر در اصلاحات اقتصادی گسترده اولیه خود، از جمله نتوانسته است سوبسیدهای عظیمی را که بیش از یک چهارم درآمد نفتی سالانه ایران را می‌بلعد از میان بردارد یا به میزان چشمگیری کاهش دهد.<sup>۶</sup>

برنامه پنجساله دوم که از سال ۱۹۹۵ آغاز گشته، پس از رهنمودهای رهبری در زمینه معطوف ساختن تلاش‌ها به کاهش بدهی‌ها و گسترش عدالت اجتماعی تا حدودی از برون‌گرایی برنامه اول فاصله گرفته است.<sup>۷</sup> نکته بسیار مهمی که ظاهراً از چشم مقام‌های برنامه‌ریز پنهان مانده آن است که تعدیل ساختاری اقتصاد که سخت مورد نیاز است، مستلزم ریاضت اقتصادی یعنی کاهش شدید هزینه‌های دولت برای جبران کسری بودجه است. همچنین، این گونه تعدیل نیازمند از میان برداشته شدن کنترل قیمت‌ها و آزاد گذاشتن دست نیروهای بازار برای بالا بردن سطح کارایی اقتصادی است.

در همین حال، ابتکارات دولت مانند گسترش تجارت دوجانبه و چندجانبه با جمهوری‌های آسیای مرکزی و ایجاد یک منطقه تجارت آزاد نوپا در دو جزیره قشم و کیش در خلیج فارس نمایانگر نمونه‌هایی از بین‌المللی شدن اقتصاد ایران است.

هرچند بازسازی اقتصادی ایران پس از جنگ پر از حرکت‌های ضدونقیض و ناسازگاری بوده، لکن روند کلی بازسازی موجب پیشرفت کشور و هرچه «آماده»‌تر شدن برای ورود به سازمان تجارت جهانی گردیده است. این نکته از برخی دگرگونی‌های رخ داده در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی اخیر ایران نمایان است:<sup>۸</sup>

- از نظام سخت‌اعتباری که موجب کاهش میزان اعتبارات در سال ۱۹۹۴-۱۹۹۳ و در نتیجه از کار افتادن چرخ بازرگانی خارجی گردید عقب‌نشینی‌هایی صورت گرفته است؛

- برخی محدودیت‌های وارداتی کاهش یافته است؛<sup>۹</sup>

- آیین تصویب سرمایه‌گذاری خارجی ساده‌تر و مؤثرتر شده است؛ و

- کنترل‌های موجود در زمینه انتقال درآمدهای ارزی به کشور به میزان چشمگیری کمتر شده است.<sup>۱۰</sup>

در واقع، همین طرح مسأله عضویت در گات نشانه چرخش بارز جمهوری

## ایران

# سازمان تجارت جهانی

□□ نوشته دکتر کاوه افراسیابی

استاد کرسی خاورمیانه در دانشگاه بوستون

■ ■ ترجمه علیرضا طیب

● منبع Middle East Executive Reports, December 1995

اخیراً جمهوری اسلامی ایران کمیته ویژه‌ای برای بررسی مسأله الحاق ایران به موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و نهاد نیرومند جانشین آن یعنی سازمان تجارت جهانی تشکیل داد. یافته‌های این کمیته که در قالب یک گزارش مفصل دو هزار صفحه‌ای ارائه شده است، نمایانگر وجود دیدگاه‌های متفاوتی درباره این مسأله در داخل دولت می‌باشد.<sup>۱</sup>

از یک سو بانک مرکزی و وزارتخانه‌های نفت، اقتصاد، کشاورزی و امورخارجه خواهان پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی شده‌اند و سازمان گمرک پیشنهاد کرده است که ایران به مقام یک عضو ناظر اکتفا کند. از سوی دیگر، وزارتخانه‌های صنایع، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، جهاد سازندگی و نیز کمیته کشاورزی مجلس<sup>۲</sup> با هرگونه تلاش برای پیوستن ایران به سازمان مزبور مخالفت نموده‌اند.<sup>۳</sup> (در این مقاله دو اصطلاح گات و سازمان تجارت جهانی را در یک معنا به کار گرفته‌ایم).

### دلایل موافق و مخالف

دلایل موافقان با پیوستن به سازمان تجارت جهانی عمدتاً اقتصادی است و به این دو مزیت عضویت در سازمان مزبور اشاره دارد:

- برخورد غیر ترجیحی با کالاهای صادراتی که از لحاظ نظری حاصل کسب موقعیت دولت کامله‌الوداد است؛

- افزایش دسترسی به بازارها در نتیجه تعرفه‌های کمتری که برای دولت‌های کامله‌الوداد بسته می‌شود. برای نمونه، وزارت نفت به شکلی قانع‌کننده مدعی است که عضویت در گات از طریق کاهش موانع ورود فرآورده‌های پتروشیمی ایران به بازارهای جهانی قدرت رقابت صنعت پتروشیمی کشور را بهبود می‌بخشد. به همین ترتیب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر پیروی اصولی ایران از مقررات گات در مورد حق ثبت و حق انحصاری آثار پافشاری می‌کند. درحال حاضر ایران عضو مقاوله‌نامه پاریس در مورد حمایت از مالکیت‌های معنوی است و در درون دولت بحث بر سر پیوستن به سازمان جهانی مالکیت‌های معنوی جریان دارد.

از طرف دیگر، مخالفان، گات را ابزار دست کشورهای نیرومند صنعتی می‌دانند و به اثرات بالقوه زیان‌آور گردن نهادن به اصول و مقررات گات، از جمله افزایش بهای فرآورده‌های دارویی ژنریک و کتابهای درسی دانشگاهی چاپ خارج اشاره می‌کنند.

مرکز توسعه صادرات ایران هشدار داده است که چون عضویت ایران در گات موجب جریان یافتن سیل کالاهای ساخته شده وارداتی می‌گردد می‌تواند به صنایع نوپای کشور آسیب برساند. به همین ترتیب در گزارش وزارت جهاد سازندگی گات به ویروس مخربی تشبیه شده است که می‌تواند کالبد اقتصاد ایران را نابود کند. در این گزارش پیشنهاد شده است که ایران

اسلامی به سمت جهان خارج و ظاهراً حاکی از دلمشغولی دولت به اندیشه جهانی کردن اقتصاد کشور است. متأسفانه برخی سوء برداشتها که در مورد گات و سازمان تجارت جهانی در ایران رواج دارد می‌تواند این اندیشه را مختل سازد.

### سوء برداشتها

نخستین سوء برداشت در مورد عضویت در سازمان تجارت جهانی، یکی پنداشتن آن با از میان رفتن کنترل‌های مختلفی است که برای پاسداری از اقتصاد ملی برقرار شده است. در واقع، ایران در مقام یک کشور در حال توسعه حق دارد برخی از سدهای حمایتی، اولویت‌های موجود در زمینه تعرفه‌ها و دیگر کنترل‌های اقتصادی مقرر شده در «برخورد ترجیحی» گات را حفظ و تقویت کند.<sup>۱۰</sup>

همانگونه که در سند «مشوق‌های توسعه صادرات صنعتی از کشورهای در حال توسعه» صادر شده از سوی «بیرحانه گات آمده»، «از جمله تدابیر مجاز برای رفع مشکلات خاص یکی هم عوارض جبرانی است». از این گذشته، به احتمال بسیار، ایران خود را در بست تسلیم گات نخواهد ساخت و سیاست اقتصادی ایران در قبال گات تحت هدایت نوعی رویکرد دوراندیشانه خواهد بود که برای هر یک از بخش‌های اقتصاد روش متفاوتی را مقرر می‌دارد.

دومین سوء برداشت، تلقی گات به عنوان ابزار دست انحصاری کشورهای ثروتمند و صنعتی بویژه ایالات متحده است. اما گات در واقع محصول مصالحه‌ای است که ملت‌ها در مورد هدایت تجارت بین‌الملل صورت داده‌اند و اکثر کشورهای جهان نیز آن را پذیرفته‌اند. ایالات متحده و دیگر کشورهای تجارت پیشه بزرگ عملاً در قبال رژیم گات ایستاری تناقض‌آلود دارند. برای نمونه، ایالات متحده برای وضع محدودیت‌های کمی بر واردات برخی فراورده‌های کشاورزی از مقررات گات موسوم به شرط گریز استفاده کرده است.<sup>۱۱</sup>

با آنکه کسی منکر نفوذ نیرومند ایالات متحده در سازمان تجارت جهانی نیست، نادیده انگاشتن این واقعیت نیز خطاست که این سازمان بین‌المللی بیش و پیش از همه مانند سازمان ملل محصول مصالحه کشورهای و تا حدودی زیر تأثیر فشارهایی است که آنکاد یا کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد در جهت منافع جهان سوم وارد می‌سازد. عموم کارشناسان گات پذیرفته‌اند که رقابت آنکاد با گات عامل اصلی تصویب مقررات مربوط به برخورد ترجیحی با کشورهای در حال توسعه در چارچوب گات بوده است.<sup>۱۲</sup>

سومین سوء برداشت، زیان بار پنداشتن ماهوی هرگونه عدم تراز تجاری حاصل از گردن نهادن به مقررات گات است. اما این تلقی از برخی واقعیت‌های اقتصادی غفلت می‌کند: این که حمایت‌گرایی در زمینه تکنولوژی پیشرفته به زیان منافع ایران و کاهش حمایت‌گرایی در جهان صنعتی در جهت منافع ایران است و نیز با ارزتر شدن واردات خارجی، اکثریت چشمگیر مردم ایران قیمت‌های کمتری خواهند پرداخت. در واقع انتظارات فزاینده طبقه متوسط رو به رشد ایران به احتمال بسیار از داخل دولت را تحت فشار قرار خواهد داد تا کنترل‌های موجود در زمینه واردات را بیشتر کاهش دهد. طبق گفته بانک جهانی «نیازهای وارداتی عظیم ایران نشانه احتیاجات اساسی این کشور به منابع مالی خارجی است. می‌توان انتظار داشت که ایران ۷۵ تا ۸۰ درصد سرمایه‌گذاریهای مورد نیاز خود را از محل پس‌اندازهای ملی به دست آورد، اما بقیه را باید از منابع مالی خارجی تأمین کند».<sup>۱۳</sup> همچنین، بهبود زمینه‌های مشارکت خارجیان در سرمایه‌گذاری و خدمات در ایران می‌تواند از بارهای مالی و دشواریهای دولت در زمینه بیکاری بکاهد.

اما چهارمین سوء برداشت، تلقی گات به منزله یک سلسله قواعد خشک است که فشارهای کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران در آن تأثیری ندارد. اما در واقع سازمان تجارت جهانی مقررات ملایم و انعطاف‌پذیری دارد که آکنده از استثناها و راه‌های گریز است. همچنین، قرارداد تشکیل سازمان

تجارت جهانی حاوی مقرراتی است که امکان ابتکارات سیاستگذارانه اعضا در آنها منظور شده است. از جمله در ماده دهم این قرارداد آمده است «هر یک از اعضای سازمان تجارت جهانی می‌تواند برای اصلاح مقررات این قرارداد پیشنهادهایی بدهد».<sup>۱۴</sup>

آنچه در ایران مورد نیاز است، اتخاذ رویکردی فرآیندگرایانه در قبال سازمان تجارت جهانی است که هم سرشت تحول‌پذیر مقررات و آیین‌های این سازمان را در نظر داشته باشد و هم خطرات تبدیل شدن به دژی را که همچنان تماشاگر منفعل این فرآیند باشد.<sup>۱۵</sup> موافقان عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی باید نادرستی استدلال‌های ساده‌انگارانه‌ای را که در آنها واقعیت وابستگی متقابل اقتصادی در سطح جهان نادیده گرفته شده آشکار سازند.

### مزایا و هزینه‌ها

ایران در صورت پذیرفته شدن به عضویت در سازمان تجارت جهانی، می‌تواند به دیگر کشورهای در حال توسعه بپیوندد و بر سمت‌گیری و الگوی سیاست‌های این سازمان از جمله از راه‌های زیر اثر گذارد: مخالفت با موافقتنامه الیاف چندگانه که به زیان عرضه‌کنندگان منسوجات و فراورده‌های نساجی ارزان قیمت سهمیه‌های تبعیض‌آمیزی وضع می‌کند؛ و فشار آوردن در جهت تدوین مقررات بین‌المللی ضد تراس و دیگر ابتکارات ناظر بر جریان بین‌المللی سرمایه و کار.

از این گذشته، ایران می‌تواند از مکانیسم‌های حل و فصل اختلافات در چارچوب سازمان تجارت جهانی استفاده کند و برخی از اختلافات اقتصادی و زیست محیطی خود با کشورهای همسایه را برطرف سازد.<sup>۱۶</sup>

از لحاظ منطقه‌ای، عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی می‌تواند تقویت‌کننده گرایش فعلی به سمت گسترش آزادی‌های اقتصادی باشد و بی‌شک ایران را در چشم همسایگان خود همچون یک بازار بالقوه سودمند جلوه دهد. این نیز به نوبه خود می‌تواند اثرات جانبی مثبتی بر وجوه سیاسی و امنیتی داشته باشد و مناسبات باثباتی را در سطح منطقه و فراتر از آن ایجاد کند؛ می‌توان گفت که سازمان تجارت جهانی توانایی ایران را برای پیوند دادن اهداف منطقه‌ای خویش با ملاحظات تجاری جهانی اش تقویت می‌نماید.

البته این، به معنی نادیده گرفتن هزینه‌هایی که عضویت در سازمان تجارت جهانی در پی دارد مانند هزینه‌های متابعت از موافقتنامه‌های ناظر بر حق ثبت و حق انحصاری اثر و نیز اختلافات داخلی احتمالی ناشی از بی‌میلی ایران به واگذاری قدرت به هرگونه فرآیند چندجانبه خارجی و مسلماً سایر امتیازاتی که ایران به عنوان «حق ورود» باید واگذار نماید، نخواهد بود.

با همه اینها، مزایای کوتاه مدت و بلندمدت پیوستن به سازمان تجارت جهانی به مراتب بیش از پیامدهای ناخواسته آن است.<sup>۱۷</sup> بنابراین لازم است که دولت ایران هرچه زودتر درخواست عضویت خود را به سازمان تجارت جهانی تسلیم کند.

### رویکردی دوگانه

همان‌گونه که خاطر نشان شد، برخی از مقام‌های ایرانی اصرار دارند که ایران به صورت عضو ناظر به سازمان تجارت جهانی بپیوندد. اما عضویت به صورت ناظر، جنبه نمادین دارد و متضمن هیچیک از مزایای عضویت نیست. از آنجا که نظام اقتصادی ایران با مقررات بازارگرایانه نظام تجارت بین‌الملل سازگاری اساسی دارد، کنفرانس وزرای عضو سازمان باید با درخواست عضویت ایران با دید مثبت برخورد کند.<sup>۱۸</sup> ایران برای قبولاندن درخواست خود، ممکن است نیازمند نوعی دیپلماسی متکی بر یک رویکرد دوسویه باشد:

– ایران می‌تواند به ترتیبات و قوانین مختلفی که در دوره‌های مختلف مذاکرات گات تدوین شده است – مانند قرارداد مربوط به هواپیماهای غیر نظامی، قرارداد بین‌المللی لبنیات، قرارداد بازرسی پیش از حمل، قرارداد اعمال تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی، و ترتیبات ناظر بر گوشت گاو –

متحدہ در مورد مہار و منزوی کردن ایران، جای خود را به مذاکره پیرامون شرکت ایران در سازمان تجارت جهانی خواهد داد.<sup>۲۱</sup>

مخالفت احتمالی ایالات متحده یکی از موانع آشکار عضویت ایران است. حتی در صورتی که ایران رسماً به سازمان تجارت جهانی بپیوندد، ممکن است ایالات متحده و برخی متحدان آن به ماده ۳۵ متوسل شوند که به آنها امکان می‌دهد از اجرای مقررات گات در مورد یک عضو جدید تا هر زمان که بخواهند خودداری نمایند.<sup>۲۲</sup>

بنابراین، بعید است که پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی مزایای مادی فوری از لحاظ بهره‌مندی از حقوق گات برای این کشور به بار آورد. با این حال، پیوستن به سازمان مزبور گذشته از مزایای برشمرده شده در بالا، می‌تواند استدلال دولت ایران را دایر بر اینکه تحریم‌های ایالات متحده در مورد ایران به تجارت آزاد لطمه می‌زند، تقویت کند.

می‌توان تصور کرد که اقدام ایران درست همان تلنگر بموقعی باشد که سیاستگذاران آمریکایی نیاز دارند تا دریابند که دست شستن از سیاست مہار ایران و تشویق این کشور به مشارکت در نهادهای بین‌المللی کاری است مطلوب و به گفته کوهین (R.O. Keohane) سازگار با هدف همکاری پایدار و رای استیلاست.<sup>۲۳</sup>

داوطلبانه گردن نهد.<sup>۱۹</sup> چنین ابتکاری می‌تواند زمینه پذیرش ایران در سازمان تجارت جهانی را آماده کند.

ایران می‌تواند در ابتدا خواهان عقد قرارداد وابستگی انتقالی سه تا پنج ساله با سازمان تجارت جهانی شود. چنین قراردادی فرصت کافی برای تأمل در مورد درخواست ایران برای عضویت کامل را در اختیار سازمان قرار می‌دهد. عضویت وابسته، پیش از این نیز سابقه داشته است.<sup>۲۰</sup>

### پیامدهای سیاسی عضویت

درخواست ایران برای عضویت در سازمان تجارت جهانی، با توجه به بن بست موجود در مناسبات ایران و ایالات متحده، بی‌شک مسائل سیاسی ظریفی را برای هر دو کشور پیش خواهد آورد. ایالات متحده باید توجه داشته باشد که عدم مخالفت با پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی می‌تواند سیاستی هوشمندانه باشد. عضویت ایران در این سازمان، توان این کشور را به جای گرفتار آمدن در یک بن بست سیاسی زیانبار به سوی فعالیت‌های اقتصادی سازنده سوق می‌دهد. همچنین این سازمان می‌تواند صحنه‌ای غیر سیاسی برای ارتباط، و شاید مذاکره برای برقراری روابط محدود در اختیار هر دو کشور قرار دهد. به هر حال، احتمالاً سیاست ایالات

Affairs, 1990).

13. Trends in Developing Economies (The World Bank, 1995), p. 241.

14. The GATT Negotiations: A Business Guide to the Results of the Uruguay Round (New York: ICC Publisher, 1994). See also Bela Balassa, Policy Choices for the 1990s (New York: New York University Press, 1993).

۱۵. کراسنر به درستی می‌گوید که دولت‌های جهان سوّم «تا حدودی توانسته‌اند تمامی رژیم‌هایی را که به آنها ملحق شده‌اند دگرگون سازند.»

S. D. Krasner, *Structural Conflict: The Third World Against Global Liberalism* (Berkeley, CA: University of California Press, 1985), p. 112.

16. For More on this, see Marian A. L. Miller, *The Third World in Global Environmental Politics* (Boulder, CO: Lynn Reinner 1995).

۱۷. مسلماً پیش‌بینی مضار و مزیت‌های پیوستن به سازمان تجارت جهانی برای اقتصاد ایران، تهور بی‌موردی است. گفته شده است که «مضار و مزیت‌های نسبی اجرای هرگونه تدابیر آزادسازی تجاری برای یک کشور، به نقش تجارت بین‌المللی در اقتصاد ملی آن، الگوی واردات و صادراتش، میزان آزاد شدن حوزه‌های تجاری مشخص آن، و افق زمانی مناسب برای ارزیابی نتایج بستگی دارد.»

*World Economic and Social Survey 1994*, p. 84.

۱۸. به موجب ماده ۱۲ قرارداد تشکیل سازمان تجارت جهانی، مسأله پذیرش عضو جدید باید در کنفرانس وزیران مطرح و بررسی گردد.

۱۹. می‌توان تصور کرد که ایران حتی به آیین‌نامه استانداردها نیز که عنوان رسمی آن «موافقتنامه ناظر بر موانع فنی تجارت» است گردن نهد و داوطلبانه هزینه‌های پیروی از این موافقتنامه را به عنوان مقدمه پیروی آتی از مقررات تجارت بین‌المللی بپذیرد.

۲۰. در مورد جزئیات این مسأله رک. به:

L.A. Haus, *Globalizing the GATT* (The Brookings Institution, 1992).

به موجب آیین عضویت، برای بررسی درخواست ایران یک گروه کار تشکیل خواهد شد که دولت متقاضی باید قوانین و آیین‌های تجاری خویش را طی یک یادداشت رسمی به اطلاع آن برساند.

۲۱. نکته حائز اهمیت آن است که به موجب ماده ۳۳ منشور گات هر عضو می‌تواند «به پذیرش نماینده دولتی که آنرا به رسمیت نمی‌شناسد یا مناسبات دیپلماتیک با آن ندارد رأی مثبت بدهد.» به نقل از

R.E. Hudec, «Gatt and the Developing Countries», *Columbia Business Law Review* 1 (1992), p. 64.

۲۲. این ماده در مورد درخواست‌های جدید تصریح دارد که عضو که «با چنین درخواستی موافق نیست» می‌تواند از اجرای موافقتنامه‌های گات در مورد کشور متقاضی خودداری کند.

23. R.O. Keohane, *After Hegemony* (Princeton: Princeton University Press, 1984).

### ●● یادداشت‌ها

۱. رسالت، ۳۰ مهر ۱۳۷۴.

۲. رسالت، ۲ آبان ۱۳۷۴.

۳. سازمان تجارت جهانی در ژانویه ۱۹۹۵ تشکیل و جایگزین دوره‌های مذاکرات گات شد. سازمان مزبور در ماده ۳ قرارداد تشکیل خود چنین تعریف شده است: «صحنه‌ای برای مذاکره اعضا در مورد مناسبات تجاری چندجانبه خویش». قدرت نسبی سازمان تجارت جهانی از ساختار تشکیلاتی آن که نتیجه تکمیل ساختار تشکیلاتی گات (از جمله ایجاد مقام دبیرکل) است، و نیز از این واقعیت مایه می‌گیرد که به موجب تفاهم‌نامه حل‌وفصل اختلافات در چارچوب سازمان تجارت جهانی، تصمیمات آن الزام‌آور است.

4. See M. Karshenas and M.H. Pesaran, «Economic Reform and the Reconstruction of the Iranian Economy», *The Middle East Journal*, 49, 1 (Winter 1995), pp. 89-113.

5. See Lida Golgan, «Government Currency Controls Imposed After Ban», *Iran Business Monitor* (June 1995), p. 16.

6. See M. Kavooosi, «Iran's Economy in Transition», *Middle East Insight*, XI, 5 (July - August 1995), pp. 100-101.

7. H. Amirahmadi, «Iran's Second Development Plan», *Middle East Executive Reports* (February 1995), p. 9.

8. See Khadijeh Karimi, «\$5 Billion Less Spent on Imports Last Year», *Iran Business Monitor* (April 1995), p. 10.

9. For More on this, see K.L. Afrasiabi, *After Khomeini: New Directions in Iran's Foreign Policy* (Boulder, CO: Westview, 1994), the section on «Economic Restructuring and Foreign Policy Change», pp. 36-41.

۱۰. به گفته هادک، سیاست تجاری گات دایر بر این است که «موانع تجاری ممکن است برای توسعه اقتصادی ضروری باشد.»

R.E. Hudec, *Developing Countries in The GATT Legal System* (Sydney: Gower, 1987).

در مورد امتیازاتی که در دوراروگونه برای وضع تعرفه‌ها به کشورهای در حال توسعه داده شد رک. به:

Maarten Smeets, «Tarrif Issues in the Uruguay Round», *Journal of World Trade* 29, 3 (June 1995), pp. 91-107.

11. See G. Patterson, «The GATT: Categories, Problems and Procedures of Membership», *Columbia Business Law Review* 1 (1990). See also F. M. Abbott, *Law and Policy of Regional Integration: The NAFTA and Western Hemispheric Integration in the World Trade Organization System* (Cambridge, MA: Kluwer, 1995).

12. For more on this, see J.H. Jackson, *Restructuring the GATT System* (London: Royal Institute of International